

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باسمه تعالی



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای حسین کرمی نژاد تحت عنوان: "مسأله اسرائیل و تشدید تقابل ایران و ایالات متحده آمریکا: دولت احمدی نژاد (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)" را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده، پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر محمدحسین جمشیدی	استادیار	
۲	استاد مشاور	دکتر نبی الله ابراهیمی	استادیار	
۳	استاد ناظر (داخلی)	دکتر علی فلاحی	استادیار	
۴	استاد ناظر (خارجی)	دکتر علی مرشدی زاد	استادیار	
۵	نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر علی فلاحی	استادیار	

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **حسین کریمی نیری** دانشجوی رشته **روابط بین‌الملل**، ورودی سال **۹۱** تحصیلی **۱۳۹۰** مقطع **کارشناسی ارشد** دانشکده **علوم انسانی**، متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین نامه فوق الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا: 
تاریخ: ۹۲، ۱۱، ۱۵

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته **روابط بین الملل** است که در سال **۱۳۹۲** در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر **سحر حسینی جمشیدی**، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **نیلز ادره ابراطیمی** و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر **_____** از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

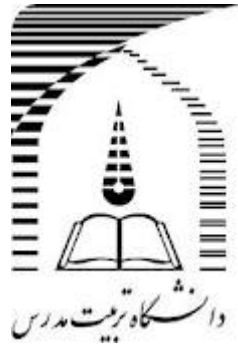
ماده ۶: اینجانب **حسین کریمی نژاد** دانشجوی رشته **روابط بین الملل** مقطع **کارشناسی ارشد**

تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: **حسین کریمی نژاد**

تاریخ و امضا:

۹۲، ۱۱، ۳۰



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده علوم انسانی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

عنوان:

مسأله اسرائیل و تشدید تقابل ایران و ایالات متحده آمریکا: دولت

احمدی نژاد (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)

نگارنده:

حسین کرمی نژاد

استاد راهنما:

دکتر محمد حسین جمشیدی

استاد مشاور

دکتر نبی الله ابراهیمی

بهمین

۱۳۹۲



که با به پای من، به پای پایان نامه‌ام سختی کشید.
از پدر عزیزم که شمع وجودش را نظره نظره مایه زندگی‌م ساخت شکر
می‌کنم؛
و از مادر مهربانم؛
که اول آموزگارم بود در محبت و ایثار، مقاومت و ایستادگی و به
پاس رنجهایش شکر می‌کنم.
و از خواهران و برادرانم که در تمامی مراحل تحصیل و زندگی‌م
مشوق و یاریگر من بوده و هستند قدردانی می‌کنم.
و به یاد شهید محمد گرمی، سردار رشید اسلام؛
که در کمپ خمپاره‌ها، هیبت پوشالین دشمن را به ذلت کشاند.

با تشکر و قدردانی فراوان از:

مساعدت و راهنمایی‌های استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر محمدحسین جمشیدی که در مراحل مختلف تهیه این پژوهش، راهنما و مشوق اینجانب بوده‌اند. از جناب آقای دکتر نبی‌الله ابراهیمی نیز که زحمت راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

همچنین از اساتید محترم ناظر جناب آقای دکتر علی مرشدی‌زاد استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد و جناب آقای دکتر علی فلاحی استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس سپاسگزاری می‌کنم.

چکیده:

روابط خصمانه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در دوره احمدی‌نژاد (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴) به نسبت دوره‌های سازندگی و اصلاحات (۱۳۶۸ - ۱۳۸۴) تشدید گردید. از سوی دیگر در این دوره شاهد تشدید تضاد منافع ایران و رژیم اسرائیل در منطقه بویژه در جنگ‌های اسرائیل با حزب‌الله لبنان و حماس هستیم. از این رو، با توجه به روابط ویژه ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل از یک سو و افزایش تعارض اهداف جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل در دوران احمدی‌نژاد از سوی دیگر، نقش رژیم اسرائیل به عنوان عاملی مهم در تشدید تقابل ایران و آمریکا قابل ارزیابی است. بر این اساس، تحقیق پیش رو، با هدف بررسی نقش رژیم اسرائیل در تشدید تقابل جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در دوره احمدی‌نژاد (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴) تدوین گردیده است. با بررسی‌های صورت گرفته (به روش توصیفی - تحلیلی) این نتیجه به دست آمد که رژیم اسرائیل از طریق پیوند رویکرد برنامه هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد به سیاست‌های آن در قبال این رژیم، با طرح مسئله «تهدید وجودی» خود در مجامع بین‌المللی و با «اقدامات» و «سناریوهای» اعلامی و اعمالی در راستای این طرح همچون: جنگ‌های ۳۳، ۲۲ و ۸ روزه (در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲) علیه حزب‌الله لبنان و حماس، تلاش برای جدا کردن سوریه از ایران، تهدید حمله نظامی به ایران و سیاست ایران‌هراسی، نقش مؤثری در افزایش سیاست‌های تهاجمی آمریکا علیه ایران و به تبع آن تشدید تقابل ایران و آمریکا داشته است.

واژگان کلیدی: تشدید تقابل، تهدید وجودی، امنیتی کردن، ایران‌هراسی

۱	فصل ۱ کلیات و مبانی نظری
۲	۱-۱-۱ کلیات
۲	۱-۱-۱-۱ بیان مسأله:
۲	۱-۱-۱-۱-۱ روابط ایران و آمریکا در دوران سازندگی (۱۳۷۶ - ۱۳۶۸)
۷	۱-۱-۱-۲ روابط ایران و آمریکا در دوران اصلاحات (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)
۱۰	۱-۱-۱-۳ روابط ایران و آمریکا در دوران اصولگرایی (۱۳۹۲ - ۱۳۸۴)
۱۷	۱-۲-۱ اهداف پژوهش
۱۸	۱-۳-۱ سوالات پژوهش
۱۸	۱-۳-۱-۱ سؤال اصلی
۱۸	۱-۳-۲-۱ سوالات فرعی
۱۸	۱-۴-۱ پیش فرضها (مفروضات)
۱۸	۱-۵-۱ فرضیه (ها):
۱۹	۱-۶-۱ مفاهیم و متغیرها
۱۹	۱-۶-۱-۱ مفاهیم
۱۹	۱-۶-۱-۲ متغیرها
۲۰	۱-۷-۱ مواد و روش انجام تحقیق
۲۰	۱-۸-۱ پیشینه پژوهش:
۲۴	۱-۹-۱ جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق
۲۴	۱-۱۰-۱ سازماندهی تحقیق
۲۵	۱-۲-۱ مبانی نظری استراتژی "تهدید وجودی"
۳۳	فصل ۲ پیشینه نظری و تاریخی روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل
۳۴	۱-۲-۱ مقدمه
۳۴	۱-۲-۲ پیشینه نظری روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل
۳۵	۱-۲-۲-۱ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۳۶	۱-۲-۱-۲ مبانی فرانظری دین اسلام در روابط بینالملل
۳۸	۱-۲-۲-۲ اصول روابط بینالملل در اسلام
۴۳	۱-۲-۲-۳ اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۵۰	۱-۲-۲-۴ اهداف سیاست خارجی ایران در قبال رژیم اسرائیل
۵۷	۱-۲-۲-۲ سیاست خارجی رژیم اسرائیل

۵۸	۱-۲-۲-۲- مبانی سیاست خارجی رژیم اسرائیل
۶۵	۲-۲-۲-۲- اصول و اهداف سیاست خارجی رژیم اسرائیل
۶۷	۳-۲- دوره‌های تاریخی روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل
۶۷	۱-۳-۲- مناسبات حکومت پهلوی و رژیم اسرائیل
۶۸	۲-۳-۲- روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل
۶۹	۱-۲-۳-۲- دوره اول: از پیروزی انقلاب اسلامی تا جنگ تحمیلی (۱۳۵۷-۱۳۵۹)
۷۰	۲-۲-۳-۲- دوره دوم: از جنگ تحمیلی تا پذیرش قطع نامه (۱۳۵۹-۱۳۶۷)
۷۱	۳-۲-۳-۲- دوره سوم: پس از جنگ تحمیلی تا پایان دولت خاتمی (۱۳۶۷-۱۳۸۴)
۷۳	۴-۲-۳-۲- دوره چهارم: دولت احمدی‌نژاد (۱۳۸۴-۱۳۹۲)
۷۴	۲-۴- جمع‌بندی
۷۶	فصل ۳ الگوی حاکم بر مناسبات ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل
۷۷	۱-۳- مقدمه
۷۸	۲-۳- تاریخچه مناسبات
۹۰	۳-۳- حمایت‌های ایالات متحده آمریکا از اسرائیل
۹۰	۱-۳-۳- حمایت‌های اقتصادی و نظامی
۹۴	۲-۳-۳- حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک
۹۸	۴-۳- الگوی حاکم بر مناسبات ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل
۹۹	۱-۴-۳- نفوذ لابیهای صهیونیستی بر فرایند سیاستگذاری آمریکا
۱۰۴	۲-۴-۳- منافع استراتژیک مشترک
۱۰۹	۳-۴-۳- زمینه‌های تاریخی، فرهنگ و ارزش مشترک
۱۱۲	۵-۳- جمع‌بندی
۱۱۴	فصل ۴ بررسی نقش اسرائیل در تشدید تقابل ایران و آمریکا (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲)
۱۱۵	۴- مقدمه
۱۱۶	۴- ۲ سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد
۱۱۶	۴-۲-۱- رویکرد برنامه هسته‌های دولت احمدی‌نژاد
۱۲۴	۴-۲-۲- سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد در قبال رژیم اسرائیل
۱۲۴	۴-۲-۲-۱- سیاست‌های اعلامی
۱۲۶	۴-۲-۲-۲- سیاست‌های اعمالی
۱۳۱	۴-۳- نقش رژیم اسرائیل در تشدید تقابل ایران و آمریکا (۱۳۸۴ - ۱۳۹۲)

۱۳۲.....	۴-۳-۱- جنگ‌های اسرائیل با حزب الله لبنان و فلسطین(نوارغزه)
۱۳۶.....	۴-۳-۲- تلاش برای دور کردن سوریه از ایران
۱۴۰.....	۴-۳-۳- تهدید ایران به حمله نظامی
۱۴۴.....	۴-۳-۴- ایران هراسی
۱۴۶.....	۴-۴ جمع‌بندی
۱۴۸.....	نتیجه‌گیری
۱۵۲.....	فهرست منابع و مآخذ

فصل ۱

کلیات و مبانی

نظری

۱-۱- کلیات

۱-۱-۱- بیان مسأله:

مسأله پژوهش حاضر این است که روابط خصمانه جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در دوره احمدی‌نژاد نسبت به دوره‌های سازندگی (۱۳۷۴ - ۱۳۶۸) و اصلاحات (۱۳۸۴ - ۱۳۷۶) تشدید گردیده است. از این رو قبل از بررسی روابط ایران و آمریکا در دولت احمدی‌نژاد به روابط این دو کشور در دوره‌های سازندگی و اصلاحات پرداخته‌ایم.

۱-۱-۱-۱- روابط ایران و آمریکا در دوران سازندگی (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)

پایان جنگ تحمیلی، خرابی‌ها و مشکلات مالی و معنوی ناشی از آن، مسأله مهاجران و اسرای جنگی، نابودی مراکز تولید، کاهش سرمایه ملی و حصر اقتصادی (از غندی، ۱۳۸۸: ۱۵)، بازنگری در قانون اساسی، رحلت امام خمینی (ره) و انتخاب آیت الله سید علی خامنه‌ای به رهبری و علی اکبر هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری (۱۳۶۸) از یکسو و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (۱۳۷۰) و تجاوز عراق به کویت (۱۳۶۹) از سوی دیگر، عواملی بودند که در سطوح مختلف فردی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باعث تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عین استمرار شدند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹۴-۳۸۸). در چنین شرایطی هاشمی رفسنجانی «توسعه‌گرایی اقتصاد محور» را به عنوان رویکرد غالب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران انتخاب کرد (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۰).

هاشمی رفسنجانی «در چارچوب سیاست درهای باز معتقد به بازسازی روابط خارجی جمهوری اسلامی بود؛ همچنین بر مبنای علایق شخصی، فکری و سیاسی از اولویت توسعه و رفاه اقتصادی در سیاست خارجی دفاع می‌کرد.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۳۹۱-۳۹۰) بنابراین با اولویت بخشی به توسعه اقتصادی سایر اهداف و منافع در جهت تأمین و تحقق توسعه ملی قرار

گرفت(درویشی و فردی تازه‌کند، ۱۳۸۷: ۱۲۰). در همین پیوند، هاشمی رفسنجانی در بعد بین‌المللی شرایط را به هنگام آغاز ریاست جمهوری‌اش متمایز از گذشته توصیف می‌کند:

«الآن در دنیا روحیه حاکم، روحیه تشنج‌زدایی است، می‌بینید که آمریکا و شوروی که دو کانون این تشنجه‌ها بودند، در خیلی از مسائل دارند به هم می‌رسند. افغانستان را می‌بینیم که دارند آرام می‌کنند. لبنان را آرام می‌کنند. در فلسطین تلاش می‌شود، اما هنوز معلوم نیست به کجا می‌انجامد؛ لذا به نظر می‌رسد که مجموعه شرایط بین‌المللی، شرایط تشنج‌زدایی است و طبعاً اگر بنا باشد که تشنج‌زدایی باشد، خاورمیانه و بخصوص خلیج فارس که جز مهمترین نقطه‌هایی است که شرط آرامش دنیاست، اگر آرامش نباشد و تشنج باشد جاهای دیگر نمی‌توانند آرامش باشد. بنابراین اوضاع سیاسی وضع گذشته را ندارد.» (حمیدی، ۱۳۷۹: ۲۸۱)

بر این اساس، در چارچوب گفتمان «توسعه‌گرایی اقتصاد محور» یا «واقع‌گرایی اسلامی» که خود هاشمی رفسنجانی آن را «واقع‌گرایی آرمانی» معرفی می‌کند، اصول، اهداف و الگوهای رفتاری سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی از این قرار بود: ۱. اولویت نسبی منافع و اهداف ملی بر اهداف فراملی ۲. توسعه‌گرایی و اقتصاد محوری ۳. پذیرش نظم حاکم بر روابط بین‌الملل ۴. احترام به قواعد و اصول بین‌المللی ۵. عضویت فعال در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ۶. عادی سازی روابط خارجی و تنش‌زدایی در چارچوب همزیستی مسالمت‌آمیز (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۷).

با پایان جنگ تحمیلی (۲۷ تیر ۱۳۶۷)، تلاش‌ها برای کاهش تشنجات و جلوگیری از برخورد مجدد آمریکا و ایران - که در اواخر جنگ تحمیلی با درگیری مستقیم نظامی رخ داده بود - شروع گردید. به طوری که جورج شولتز وزیر امور خارجه آمریکا (۱۰ مرداد ۱۳۶۷) تمایلش را برای ملاقات با همتای خود، علی اکبر ولایتی، ابراز داشت. از اهداف مهم نزدیکی آمریکا به ایران در این مقطع، آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان بود. در همین راستا، جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا، در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی (۱۰ آذر ماه ۶۷)، خواستار آزادی گروگانهای آمریکایی در

لبنان و تجدید رابطه ایران و آمریکا شد. با پیگیری‌های ایران و آزادی بعضی از گروگانهای آمریکایی زمینه برای حل و فصل بخشی از دعاوی ایران و آمریکا در در دیوان داوری لاهه فراهم شد. از این رو، مقامات آمریکایی از رفع توقیف دارایی‌های ایران سخن گفتند. همچنین با انتخاب جورج هربرت واکر بوش به ریاست جمهوری آمریکا در دی ماه ۱۳۶۷ وی نیز لحن آشتی‌جویانه‌ای در قبال ایران اتخاذ کرد. دلیل عمده این رویکرد، آزادی - مابقی - گروگانهای آمریکایی بود. جمهوری اسلامی ایران هم با کمک دبیر کل سازمان ملل در ازای رفع توقیف بخشی از داراییهای ایران به آزادی گروگانهای آمریکایی کمک کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۱۸-۴۱۷).

از سوی دیگر با انتخاب هاشمی رفسنجانی به ریاست جمهوری (در تیرماه ۱۳۶۸) و رویکرد اعلامی وی در سیاست خارجی، امید به تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا افزایش یافت. به گونه‌ای که با انتشار مقاله عطاء ا... مهاجرانی، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، در روزنامه اطلاعات و دفاع وی از مذاکره مستقیم با آمریکا، بلافاصله مقامات آمریکایی از این پیشنهاد استقبال کردند و آمادگی خود را برای بهبود روابط با ایران اعلام داشتند. اما این پیشنهاد با مخالفت شدید آیت ا... خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، منتفی گردید. گرچه مذاکرات حقوقی نمایندگان دو کشور در لاهه برای حل و فصل اختلافات مالی ادامه یافت.

با تهاجم عراق به کویت در مرداد ماه ۱۳۶۹ و به تبع آن وقوع تغییر و تحولات جدید در منطقه، روابط ایران و آمریکا نیز وارد مرحله جدیدی شد. جمهوری اسلامی ایران ضمن محکومیت این تجاوز از طریق همکاری با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و سازمان ملل درصدد حل و فصل مسأله‌آمیز بحران برآمد. از سوی دیگر، با وجود تلاش‌های آمریکا و حمله نیروهای متحد به کویت، جمهوری اسلامی ایران، برخلاف دیدگاه‌های رادیکال مبنی بر حمایت ایران از رژیم صدام، سیاست بی‌طرفی فعال را در قبال این بحران (جنگ دوم خلیج فارس) اتخاذ کرد. از این رو، ایران در کنار مخالفت با حضور نیروهای خارجی در منطقه خلیج فارس از قطعنامه‌های سازمان ملل پیروی

می‌کرد. در این شرایط و با وجود سیاست تنش‌زدایی دولت هاشمی رفسنجانی با رویکرد بی‌طرفی فعال در بحران کویت، دولت آمریکا برخلاف انتظار ایران، مجدداً در آبان ماه ۱۳۶۹ وضعیت فوق‌العاده را در روابط با ایران تمدید کرد (خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۲).

با پایان جنگ و آزادسازی کویت، رویکرد تقابل‌گرایانه آمریکا در قبال ایران همچنان ادامه یافت. نمود عینی این سیاست زمانی آشکار شد که آمریکایی ترتیبات امنیتی منطقه را بدون حضور ایران شکل دادند. در طرح امنیتی بوش که در ۱۵ اسفند ۱۳۶۹ اعلام شد، نشانی از حضور ایران وجود نداشت. این طرح با اعلامیه دمشق توسط شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و دو کشور سوریه و مصر (طرح امنیتی ۲+۶)، بدون حضور جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. هاشمی رفسنجانی در ۵ فروردین ۱۳۷۰، ضمن محکوم کردن این وضعیت، ناخشنودی ایران را اعلام داشت؛ ولی در عین حال احتمال درگیری ایران و آمریکا را منتفی دانست. جورج بوش نیز در همین زمان خواهان مذاکره مستقیم با ایران درباره گروگانها و بهبود روابط دو کشور شد. وی در ۱۲ مهر ۱۳۷۰ ضمن اعلام مجدد این موضع، خط‌مشی دولت هاشمی رفسنجانی را معتدل و مثبت توصیف کرد و از ایران خواست تا تلاش خود را برای آزادی کلیه گروگانهای غربی بکار گیرد. دولت هاشمی رفسنجانی جهت حسن نیت ایران، نیروهای انقلابی در لبنان را متقاعد ساخت تا گروگانهای غربی را آزاد کنند. به طوری که تا اواخر سال ۱۳۷۰ کلیه گروگانها به جز دو آلمانی آزاد شدند. ولی این اقدام مثبت ایران، به رغم وعده جورج بوش (پدر)، مجدداً با حسن نیت متقابل آمریکا روبرو نشد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۲۱-۴۲۰).

بنابراین، یک بار دیگر جو بی‌اعتمادی و سوءظن بر روابط ایران و آمریکا حاکم شد. به همین علت، جمهوری اسلامی ایران شرط مذاکره با آمریکا را رفع توقیف داراییها و اموال مسدود شده ایران به عنوان حسن نیت قرار داد. در مقابل آمریکا، با توجه به ایده «نظم نوین جهانی» که توسط جورج بوش مطرح گردید و مرکز ثقل سیاست‌های آن - مبتنی بر تأمین امنیت رژیم اسرائیل و بومی‌سازی

آن از طریق پیشبرد مذاکرات صلح، کنترل انرژی منطقه خلیج فارس و جلوگیری از روند رو به گسترش اسلام‌گرایی - در منطقه غرب آسیا بود، عادی سازی روابط و مذاکره با ایران را مشروط به تغییر رفتار ایران قرار داد. در واقع این سه رویکرد (تأمین امنیت اسرائیل، پیشبرد مذاکرات صلح و مقابله با اسلام سیاسی)، ارتباط اساسی با دکترین نظم نوین جهانی بوش داشت. به این ترتیب آمریکا که پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق به دنبال تک قطبی کردن جهان بود، در اولین مرحله برای تحقق این هدف، سلطه کامل بر منطقه غرب آسیا را هدف قرار داد (قالیباف، ۱۳۸۹: ۶). بر این اساس، مداخله در امور داخلی ایران، دشمنی با انقلاب اسلامی و مانع تراشی در فعالیتهای منطقه‌ای ایران، از جمله سیاست‌هایی بود که جورج بوش در این مقطع، دنبال می‌کرد. در نتیجه، تا پایان ریاست جمهوری بوش (اواخر سال ۱۳۷۱)، گشایش و تغییر خاصی در روابط ایران و آمریکا صورت نگرفت.

این وضعیت با روی کار آمدن بیل کلینتون (در اول بهمن ماه ۱۳۷۱) نه تنها تغییری نکرد بلکه به سمت تنش بیشتر گرایش یافت. چرا که کلینتون، تحت تأثیر لابی‌های یهودی در آمریکا به شدت از اسرائیل و فرآیند «صلح خاورمیانه» - که از پاییز ۱۳۷۰ شروع شده بود - حمایت می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۴۴). مشاوران دولت وی، بر این عقیده بودند که اگر بخواهند شاهد تغییرات بنیادی در سیاست‌های ایران در قبال روند صلح اعراب و اسرائیل باشند، بایستی اقدامات خود را در جهت کاهش قدرت اقتصادی و نظامی ایران در منطقه به کار گیرند (هولیس، ۱۳۷۶: ۲۱۹). از این رو، دولت کلینتون سیاست تحریم و تهدید را در چارچوب استراتژی «مهار دوگانه» (که مبتنی بر مهار دو کشور ایران و عراق بود) برای تغییر رفتار ایران اتخاذ کرد. طراح این سیاست، «مارتین ایندایک»، دستیار ویژه کلینتون در امور خاور نزدیک و جنوب آسیا در شورای امنیت ملی آمریکا بود. در واقع (همانطور که گفته شد) همراهی نکردن ایران در فرآیند صلح اعراب و رژیم اسرائیل، عامل اصلی تشدید مجازات‌های دولت کلینتون علیه ایران محسوب می‌شد که تحریم اقتصادی، اولین حلقه از سلسله اقدام‌های آمریکا در این رهیافت تلقی می‌شد (قالیباف، ۱۳۸۹: ۶). در کنار این عامل، برنامه

هسته‌ای ایران و حمایت ایران از حزب‌الله لبنان و جنبش‌های آزادی بخش فلسطین(که در ارتباط با عامل اول بودند)، از نگرانیهای آمریکا در این مقطع و عوامل تأثیرگذار بر اتخاذ این استراتژی امریکا بودند(هولیس، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

دولت کلینتون در نخستین گام از استراتژی مهار دوگانه، محدودیت‌هایی را برای خریدهای نظامی ایران، ممنوعیت کمک و تخصیص اعتبار، کنترل صادرات و واردات، جلوگیری از اعطای وام از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و ادامه توقیف اموال و دارایی‌های ایران اعمال کرد. این اقدامات تنبیهی دولت آمریکا، باعث بی‌اعتمادی بیشتر جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کشور شد. به گونه‌ای که هاشمی رفسنجانی در مصاحبه با مجله تایم در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۲ تصریح کرد «تا زمانی که اموال ما در آمریکا مسدود است، ما هیچ تفسیری جز دشمنی و خصومت آمریکا با ایران نمی‌توانیم بکنیم.»(دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۲۱) با وجود این، دولت هاشمی رفسنجانی بر پایه همزیستی مسالمت‌آمیز، بر تفکیک روابط اقتصادی و سیاسی در رابطه با آمریکا تأکید ورزید. اما دولت آمریکا، برخلاف انتظار ایران، سیاست‌های تنبیهی را تداوم و در ادامه افزایش داد. به گونه‌ای که در آبان ماه ۱۳۷۴، کنگره آمریکا بودجه ۱۸ میلیون دلاری را برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تخصیص داد.

بر این اساس، به رغم سیاست تنش‌زدایی در دولت هاشمی رفسنجانی، روابط ایران و آمریکا در دوران سازندگی بهبود قابل ملاحظه‌ای نیافت؛ اما از رویارویی و درگیری مجدد ایران و آمریکا - که در زمان جنگ تحمیلی به وجود آمده بود - پرهیز شد.

۱-۱-۱-۲- روابط ایران و آمریکا در دوران اصلاحات(۱۳۸۴ - ۱۳۷۶)

با روی کار آمدن سید محمد خاتمی (در دوم خرداد ۱۳۷۶)، سیاست تنش‌زدایی دولت قبل(هاشمی رفسنجانی)، در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی با تأکید بیشتر بر بعد سیاسی توسعه، تداوم یافت. در این دوره از سیاست خارجی ایران «نحوه بیان و شیوه‌های رفتار و برخورد با دیگران تغییر

یافت و سیاست تعدیل اقتصادی و قایل شدن به توسعه صنعتی دولتی جای خود را به توسعه سیاسی داد.» (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۸) بر این اساس، اصول و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره بر مبنای جهت گیری «عدم تعهد اصلاح طلب»، از این قرار بود: ۱. تنش زدایی و کوشش در جهت اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی. ۲. تأکید بر گفت‌وگو و مفاهمه بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف جهت حل و فصل مسائل و مشکلات مطرح در سطح سیاست خارجی. ۳. حضور فعالانه در کنفرانس‌ها و مجامع بین‌المللی جهت کسب پرستیژ در سطح نظام بین‌الملل و ۴. تأکید بر صلح‌گرایی و چندجانبه‌گرایی در عرصه بین‌المللی (رضایی، ۱۳۸۷: ۹۵).

از این رو، دولت خاتمی در روابط خود با ایالات متحده آمریکا نیز، بر مبنای سیاست تنش‌زدایی رفتار کرد. به گونه‌ای که خاتمی در مصاحبه خود با شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان، در هجدهم دی ماه ۱۳۷۶ سعی کرد از طریق گفتگوی مستقیم با مردم و غیرمستقیم با مقامات دولت آمریکا، این سیاست را دنبال کند. وی در این مصاحبه، ضمن انتقاد از مقامات و سیاست‌های آمریکا در قبال ایران، از ملت آمریکا و مبنای مذهبی و اعتقادی آنها تمجید کرد و با تکیه بر طرح گفتگوی تمدن‌ها خواهان مبادله علمی و فرهنگی (از قبیل: مبادله اساتید، نویسندگان، محققان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و ...) میان دو کشور شد. همچنین آقای خاتمی، دیدگاه‌های خود را در قبال مسائلی از جمله تروریسم، فرآیند «صلح خاورمیانه» و تسلیحات کشتار جمعی - که نگرانیهای آمریکا در قبال سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران را شامل می‌شد - صراحتاً اعلام داشت. وی تروریسم را محکوم کرد، فرآیند «صلح خاورمیانه» را ناموفق خواند و در خصوص تسلیحات کشتار جمعی، ضمن اشاره به فعالیت‌های صلح‌آمیز و قانونی هسته‌ای ایران، قدرت اتمی بودن ایران یا پیگیری این کشور برای ساخت بمب اتمی را مردود و منتفی دانست (کرامتی، ۱۳۸۳: ۳۹۹-۳۸۱).

در قبال سخنان خاتمی، کلینتون پس از گذشت سه هفته، در پیام تبریک خود برای مسلمانان به مناسبت عید فطر، ایران را «کشوری مهم با میراث فرهنگی باستانی سرشار» خواند و از

« دور بودن دو ملت ابراز تأسف کرد.» وی همچنین بیان داشت « گرچه در مورد برخی سیاستهای ایران با این کشور اختلاف نظر جدی داریم، ولی به اعتقاد من اینها برطرف شدنی است.» سپس او ابراز امیدواری کرد «مبادلات بیشتری میان دو ملت صورت گیرد و به زودی شاهد روزی باشیم که بتوانیم بار دیگر از روابط حسنه با ایران برخوردار باشیم.» (رمضانی، ۱۳۷۷: ۱۲۲) همچنین مادلین آلبرایت، وزیر امور خارجه آمریکا در ۲۷ خرداد ۱۳۷۶ در یک سخنرانی گام دیگری در جهت نزدیکی به ایران برداشت. وی ضمن پذیرش دخالت آمریکا در کودتای بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۳۲ اظهار داشت: «آمریکا مایل به تهیه و تدوین برنامه‌ای برای بهبود مناسبات است.» (سبزیان موسی‌آبادی و موسویان، ۱۳۸۸: ۳۶). از این رو، آمریکا بعضی از تحریمها و مجازاتهای اقتصادی و اجرای طرح داماتو علیه ایران را به صورت محدود کاهش داد.

اما با وجود تداوم گفتارهای مسالمت‌جویانه کلینتون و آلبرایت (در کنار رفتارهای مواجهه‌جویانه آمریکا) بهبود قابل ملاحظه‌ای در رفع بی‌اعتمادی و حل و فصل عملی و ریشه‌ای تقابل میان دو کشور صورت نگرفت. به گونه‌ای که مقام معظم رهبری در ۲۵ مرداد ۱۳۷۹، به شدت از مذاکره با آمریکا که مشروط بر تغییر رفتار سیاست خارجی ایران باشد، مخالفت ورزیدند. همچنین سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور نیز اقدامات و تغییرات گفتاری آمریکا را برای رفع سوء تفاهمات موجود بین ایران و آمریکا و مذاکره سیاسی کافی ندانست و ضمن انتقاد از این رویه، خواستار اقدامات عملی از سوی مقامات آمریکایی، برای نشان دادن حسن نیت شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۷۱).

بدین ترتیب، تا پایان ریاست جمهوری بیل کلینتون در اول بهمن ماه ۱۳۷۹، هیچ‌گونه پیشرفت عملی در روابط ایران و آمریکا صورت نگرفت. این شرایط با روی کار آمدن جرج بوش (پسر) نه تنها بهبود نیافت، بلکه به سمت تقابل بیشتر گرایش یافت. زیرا پس از گذشت ۷ ماه از ریاست جمهوری بوش پسر، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۱ شهریور ۱۳۸۰)، فرآیند تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا را دگرگون ساخت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۷۲). این دگرگونی با مطرح کردن تئوری